

DOI: 10.22084/csr.2016.1807

مطالعه گونه‌شناسی و شیوع‌شناسی رفتارهای وندالیستی

(مورد مطالعه: دانش‌آموزان دوره متوسطه ناحیه‌ی یک همدان)

امیرکوردکریمی^{*۱}

علی روشنایی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۱۹

چکیده

هدف این مقاله مطالعه گونه‌شناسی (Typology) و شیوع‌شناسی (Prevalence) رفتارهای وندالیستی دانش‌آموزان دوره متوسط ناحیه یک همدان می‌باشد. تحقیق حاضر بر اساس روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه انجام شده است. پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه، دانش‌آموزان دختر و پسر هستند که در دبیرستان‌های ناحیه یک آموزش و پرورش همدان مشغول به تحصیل بودند. حجم نمونه برابر با ۴۰۰ نفر بوده که از میان ۸۵۰۰ نفر دانش‌آموز دختر و ۶۵۰۰ نفر دانش‌آموز پسر در رشته‌های نظری، فنی حرفه‌ای و کار و دانش انتخاب شده‌اند. شیوه نمونه‌گیری تصادفی بوده و پرسشنامه‌ها هم به صورت تصادفی در بین دانش‌آموزان توزیع شده است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، می‌توان گفت که تمامی متغیرهای مستقل اعم از کنترل غیررسمی، تعلق اجتماعی، ناکامی اجتماعی، کنترل غیررسمی، احساس محرومیت نسبی و سرمایه اجتماعی بر متغیر وابسته تحقیق، یعنی وندالیسم تأثیرگذار بوده و آن را به صورت مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر قرار داده‌اند. همچنین بررسی رابطه تک‌تک متغیرهای مستقل با متغیر وابسته نشان داد که متغیرهای سرکوب اجتماعی، تعلق اجتماعی، احساس محرومیت نسبی و ناکامی اجتماعی دارای رابطه معناداری با متغیر رفتارهای وندالیستی هستند و متغیرهای کنترل غیررسمی و سرمایه اجتماعی نیز رابطه معناداری با رفتارهای وندالیستی نداشتند. در این میان قوی‌ترین همبستگی، متعلق به رابطه بین متغیرهای ناکامی اجتماعی و رفتارهای وندالیستی بود.

کلمات کلیدی: رفتارهای وندالیستی، سرمایه اجتماعی، ناکامی اجتماعی، تعلق اجتماعی، احساس محرومیت.

۱- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران

۲- استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان، آشتیان، ایران

۱. بیان مسأله

ناهنجاری‌های رفتاری و انحرافات اجتماعی یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات اجتماعی در جوامع گوناگون محسوب می‌شود و جوامع بشری در طول زمان و به خصوص در قرن حاضر از انواع آسیب‌های اجتماعی در رنج بوده و همیشه اندیشمندان در جستجوی انواع، علل و عوارض آن و همچنین یافتن راه‌حلی برای رهایی جامعه از این مسائل بوده‌اند و در پاسخ به این سؤال که عوامل مؤثر بر هنجارشکنی و انحرافات و آسیب‌پذیری نوجوانان و جوانان چیست؟ تحقیقات و بررسی‌های فراوانی انجام داده‌اند.

در هنجارشکنی عوامل متعددی نظیر مسائل زیست‌شناختی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و حتی تأثیر حواشی بر فرد هم اثرگذار و مهم است. نظریات زیست‌شناختی و روان‌شناختی به نیروهای غریزی و درونی آدمی در بروز رفتارهای بزهکارانه به‌طور کلی و وندالیسم و اوباشیگری به‌طور خاص، اشاره می‌کنند درحالی‌که نظریات جامعه‌شناختی آن را محصول ساختارهای اجتماعی و فرهنگی می‌دانند. از دید جامعه‌شناسی کسی از مادر منحرف و کجرو متولد نمی‌شود، بلکه انحرافات تحت تأثیر شرایط خاص اجتماعی به وجود می‌آید. روان‌شناسان اجتماعی نیز در تبیین کژرفتاری و رفتارهای نژند نظیر وندالیسم به فراگرد متقابل و تعامل میان عامل رفتار و وضعیت رفتار در مسیر عمل آدمی معتقدند. بزهکاری نیز در غالب نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی معلول کنش متقابل میان فرد و زمینه‌ی اجتماعی یا میان عامل رفتار و وضعیت رفتار در نظر گرفته شده و کژرفتاری به عنوان یک فراگرد واحد به شمار آمده است. نتیجتاً وندالیسم چون هر رفتار نابهنجار از یک سلسله مسیرهای مختلف می‌گذرد و تکوین پیدا می‌کند، بدین معنی که کاملاً از قبل تعیین نمی‌شود، بلکه غالباً از یک سلسله برخوردهای خاص میان عامل رفتار و وضعیت رفتار به وجود می‌آید. از این رو و با استناد به گفته ایان تایلور^۱ می‌توان گفت که «نظرگاه روان‌شناسی اجتماعی ماهیت و سرنوشت فراگرد کژرفتاری به عنوان یک مجموعه‌ی بهم‌پیوسته، نیازمند بررسی عوامل اجتماعی و روانی توأمان و در ارتباط با یکدیگر است و به اعتبار این اصل روان‌شناسی اجتماعی است که انسان هم سازنده‌ی جامعه و هم زیرنفوذ و تأثیر فرآورده‌های خود می‌باشد و همین امر یک فراگرد دیالکتیک بین انسان و جامعه به وجود می‌آورد که می‌باید در تمام مراحل کژرفتاری در نظر آید» (محسنی تبریزی، ۱۳۷۹: ۷۰).

در قرن جدید، تمدن ماشینی، نوعی از بی‌سازمانی اجتماعی^۱، توسعه شهرهای صنعتی، ایجاد محلات پرجمعیت، تغییر زندگی ساده قدیمی و تبدیل آن به یک زندگی پرتجمل، کم‌رنگ شدن روابط عاطفی و حس همدلی و رواج زندگی رسمی و بی‌روح همراه با فردگرایی مفرط، تضعیف انسجام و همبستگی اجتماعی، شکست‌ها و عقده‌های روانی پنهانی و امیال سرکوب شده و آرزوهای ناکام مانده و تشدید احساس سرخوردگی، درماندگی و اجحاف را به ارمغان آورده و پیامدهای دیگری نیز داشته و آن عصیان روزافزون انسان‌ها علی‌الخصوص نسل جوان در برابر واقعیت‌های اجتماعی و نیروهای سرکوب‌گر بیرونی است و این سرپیچی و عدم‌متابعت از قواعد و سنجه‌های حاکم بر روابط اجتماعی و طغیان بر علیه نظام دستوری جامعه و واکنش به محرک‌های بیرونی، به یکی از مهم‌ترین واکنش‌های رفتاری برخی از گروه‌ها و افراد جامعه‌ی امروزی بدل شده است.

وندالیسم در زمره‌ی آن دسته از انحرافات و بزهکاری‌هایی است که هر ساله باعث هدر رفتن منابع عظیمی می‌شود و به نظر غیرممکن است که بتوان وسعت هزینه‌ی وندالیسم را در جامعه‌ی امروزی برآورد کرد. هنوز هم عوامل مؤثر در ایجاد این پدیده برای بسیاری از افراد ناشناخته است و هر ساله بودجه هنگفتی صرف آن می‌شود (احمدی، ۱۳۸۴: به نقل از نوربخش و درویش، ۱۳۷۵: ۱۵). با بررسی مختصری از وضعیت موجود و از آن جایی که در حال گذر از مرحله سنتی به مدرنیسم نیز می‌باشیم به سادگی می‌توان به این نتیجه رسید که جامعه ایرانی و به تبع آن دانش‌آموزان هم از تأثیر این تغییرات مصون نبوده با دگرگونی‌های سریع و وسیعی که در ساختارهای اصلی جامعه؛ به خصوص ساختار اجتماعی و فرهنگی به وجود آمده، می‌توان شاهد رشد رفتارهای وندالیستی^۲ بود (میرفردی و همکاران: ۱۳۹۱، به نقل از فاضل و میری آشتیانی، ۱۳۸۷: ۸-۷).

بدیهی است که دوره‌ی نوجوانی یک دوره‌ی بحرانی و مهم است و اگر عوامل مختلف و تأثیرگذار نظیر والدین، محیط آموزشی، دوستان و کل اجتماع محیط مناسبی را برای هویت‌یابی، همانندسازی و جامعه‌پذیری این گروه به وجود نیاورد، نوجوان آسیب‌پذیر شده و مستعد حرکت به سوی ناهنجاری‌های اجتماعی، تخریب و سایر آسیب‌ها خواهد شد.

«استانلی‌هال^۳، رفتارهای نابهنجار نوجوانان را در دوران بلوغ چنین تقسیم‌بندی می‌کند:

۱- کژ سازگاری مانند دروغ‌گویی و تنبلی

1. Social disorganization

2. Behavior vandalism

3. Stanley hall

۲- ناسازگاری مانند فرار از مدرسه و منزل

۳- خطاکاری مانند صدمه زدن به اشخاص و اشیاء

۴- بزهکاری مانند اعتیاد و دزدی» (کرباسی، ۱۳۷۴: ۴۰).

لیکن نظر به اهمیت و ضرورت ریشه‌یابی این موضوع خصوصاً در میان نوجوانان و جوانان و با توجه به مسئله اصلی و اساسی این پژوهش، در صدیدیم تا ببینیم رفتارهای وندالیستی در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه ناحیه یک شهر همدان چگونه است و گونه‌ها و میزان شیوع پدیده وندالیسم چطور بروز پیدا می‌کند.

۲. مبانی نظری پژوهش

بر اساس مبانی نظری پژوهش می‌توان به یک رویکرد تلفیقی و همچنین به مدل تحلیلی پژوهش دست یافت. لذا بر آن خواهیم بود تا با مطالعه و بررسی رویکردهای نظری وندالیسم و اوباشگیری در قالب سه پارادایم زیست‌شناختی^۱، روان‌شناختی^۲ و جامعه‌شناختی^۳، گونه‌ها، میزان شیوع و مهم‌ترین عوامل مؤثر بر این پدیده را شناسایی کرده و در قالب یک الگوی نظری برای تحقیقات تجربی ارائه دهیم.

در تبیین زیست‌شناختی کجروی‌های اجتماعی، محققان، عوامل ژنتیک و بدنی را عامل بسیاری از انحرافات اجتماعی دانسته و بر این باورند که این عوامل موجب رفتارهای وندالیستی می‌شود. از این‌رو سزار لمبرزو^۴ معتقد بود که افراد جانی زاده می‌شوند و مادرزاد جانی هستند. به نظر او چنین افرادی را می‌توان از روی علائم بدنی آن‌ها شناخت.

هانس آیزینگ^۵ اظهار می‌دارد که توارث می‌تواند عاملی بسیار قوی در ارتکاب تبهکاری باشد. به نظر او انگیزه‌ی نخستین انسان، «لذت‌جویی و درد‌گریزی» است؛ بنابراین نمی‌توان به وسیله مجازات‌های قانونی این انگیزه‌ها را مهار کرد؛ چرا که در موارد لذت‌جویی به گذشت زمان نیاز ندارد و آنی است؛ حال آن‌که مجازات با دیرکرد زمانی در انتظار فرد است. بدین گونه به خاطر شکاف زمانی میان کجرفتاری (که اساساً لذت‌جویانه است) و مجازات (که اساساً رنج‌آور است)، کج رفتاری تکرار می‌شود و مجازات نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد. گذشته از آن امکان پنهان داشتن بسیاری از کجروی‌ها و گریز از مجازات همواره زیاد است. بدین گونه انسان

-
1. Biological
 2. Psychological
 3. Sociological
 4. Caesar Lombroso
 5. Hans Eysenck

موجودی متصور می‌شود که به دنبال لذت‌جویی آنی خود می‌رود و بنا به مثل خودمان، دم را غنیمت می‌شمارد (اشرف، ۱۳۵۵: ۱۴۰).

آیزینگ^۱ مدعی است که بین ویژگی‌های شخصیتی چون «برون‌گرایی» و «رفتار انحرافی» رابطه وجود دارد. فرد برون‌گرا ماجراجو و مغرور است، سریعاً واکنش نشان می‌دهد، تمایل به پرخاشگری دارد، زود از کوره در می‌رود، احساسات وی در کنترلش نیست و بدون اندیشه و تأمل عمل می‌کند.

به نظر آیزینگ همه مردم در جایی میان این دو، درونگرا و برونگرا قرار دارند؛ اما نمونه رفتاری که امکان جنایت را افزایش می‌دهد از نوع برونگراست. او همچنین اضافه می‌کند که فرد، تماماً محکوم ژن‌های خود نیست؛ بلکه ممکن است خصلت‌های ژنتیکی زمینه را برای رفتار انحرافی آماده سازد.

در تبیین روان‌شناختی کجروی‌های اجتماعی بسیاری از روان‌شناسان و روانکاوان علل رفتارهای انحرافی را بر حسب نقص شخصیت فرد کجرو توجیه و تبیین می‌کنند و بر این باورند که برخی از گونه‌های شخصیت بیشتر از گونه‌های دیگر گرایش به تبه‌کاری و ارتکاب جرم دارند. در واقع، آنان کژرفتاری‌ها را پیش از آن‌که به ژن‌های غیرعادی یا کروموزوم‌های اضافی نسبت دهند، به تجربه‌های تلخ دوران کودکی که معلول روابط ناسالم بین فرد و محیط اجتماعی اوست، می‌دانند. «جورج کلی»^۲ شخصیت را روش خاص هر فرد در جستجوی پیدا کردن و تفسیر معنای زندگی می‌داند. به بیان دیگر، «شخصیت، امکان پیش‌بینی آن‌چه را که فرد در موقعیتی خاص انجام خواهد داد، فراهم می‌کند» (توسلی، ۱۳۸۲: به نقل از راس ۱۳۷۳: ۱۸).

در مباحث شخصیتی، ویژگی شخصیت ضداجتماعی یا روان رنجور نوعی به هم‌ریختگی ارتباط میان انسان و جامعه است و به رفتار نابهنجاری گفته می‌شود که در جامعه مورد پسند نیست؛ ولی معمولاً نزد عامل آن ناپسند و زیان‌بخش شمرده نمی‌شود، شخص روان‌رنجور نسبت به هنجارها و مقررات اجتماعی بی‌اعتنا و بی‌تفاوت است و با دروغ‌گویی و دزدی حقوق دیگران را پایمال هوی و هوس‌های خود می‌سازد و نمی‌خواهد شخصیت اجتماعی خود را بر اساس انتظارات و نیازهای اجتماعی که در آن به سر می‌برد، تطبیق دهد.

1. Hans Eysenck

2. George Kelly

3. Ross

فروید^۱ در مورد غرایز آدمی اظهار می‌کند انسان برای رفع نیازهای حیاتی خود تجهیزاتی فطری دارد که او به این تجهیزات فطری "غریزه" می‌گوید و آنها را به دو دسته تقسیم می‌کند. غریزه مرگ و غریزه زندگی. فروید بر این باور است که روان آدمی عرصه کشاکش این دو نیروی متضاد است. نیروی زندگی موجب دوستی، عشق، تولید نسل و صیانت ذات است؛ اما نیروی مرگ سبب کین و عداوت، مرگ و نیستی و انهدام نسل است (آریان‌پور، ۱۳۳۶: ۱۳۵). فروید با بیان نظریه‌ی غریزه مرگ توجه انسان‌ها را به این امر مهم جلب می‌کند که نه تنها از لحاظ شناختن بیماری‌های روانی اهمیت دارد، بلکه عاملی است که در اجتماع نباید از آن غافل بود و آن داعیه "پرخاشگری" است (ستوده، ۱۳۸۲: ۱۰۹).

در تبیین جامعه‌شناختی کجروی‌های اجتماعی رفتارهای انحرافی را به ساختار اجتماعی و جامعه ربط می‌دهند و معتقدند که این ساختار و فرهنگ جامعه است که افراد را به سمت رفتارهای انحرافی و ضداجتماعی سوق می‌دهد. دورکیم^۲ مفهوم آنومی و بی‌هنجاری اجتماعی را در دو سطح فردی و اجتماعی به کار می‌برد. آنومی در سطح فردی، نوعی نابسامانی فردی است که منجر به گسستگی، انحراف فرد از معیارها و هنجارهای جامعه می‌شود و در سطح اجتماعی نشانگر نوعی اختلال، اغتشاش و بی‌هنجاری در نظام اجتماعی است که در این حالت نیز فرد ممکن است دست به رفتارهای انحرافی بزند و از هنجارهای اجتماعی تخطی کند. به‌طور کلی سه نوع کجروی در آثار دورکیم می‌توان یافت:

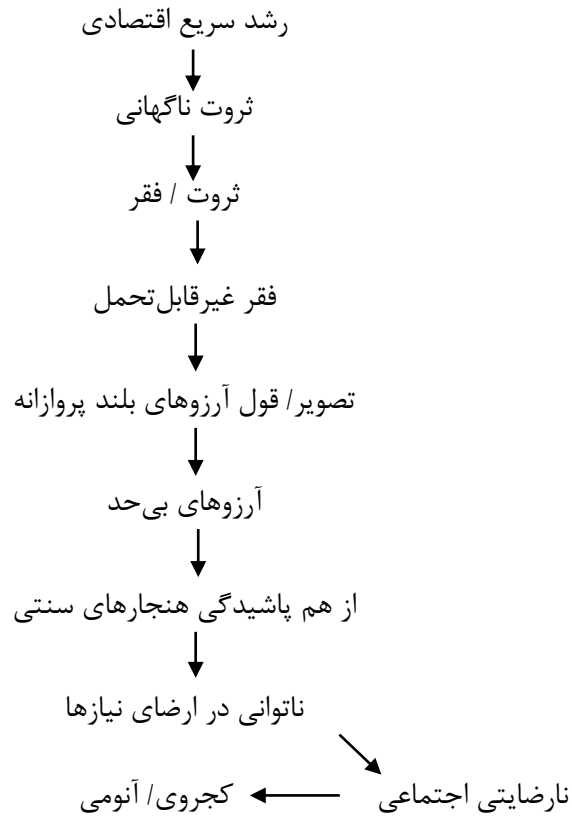
- ۱- کژرفتاری زیستی و روانی: این نوع کژرفتاری نمونه کردار فرد بیمار در جامعه سالم است؛
- ۲- کژرفتاری انقلابی: که برای دگرگونی وضع نابسامان اجتماعی پدید می‌آید، یعنی جامعه بیمار و فرد سالم است؛
- ۳- کژرفتاری چوله: نمایان‌گر افرادی است که هم تربیت اجتماعی مناسب نیافته‌اند و هم در جامعه بیمار زندگی می‌کنند، یعنی هم فرد بیمار است و هم جامعه (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۵۶-۵۷).

در شرایطی که همبستگی متقابل فرد و جامعه از میان برود و فرد نتواند به کمک مکانیزم‌ها و ابزارهایی که جامعه در اختیارش قرار می‌دهد به اهدافش دست یابد، در نتیجه از راه‌های دیگری که خلاف قانون است سعی می‌کند به آن اهداف برسد؛ در نتیجه می‌گوییم که فرد نابهنجار شده و وقتی این حالت به صورت عام در جامعه شیوع پیدا می‌کند می‌گوییم، جامعه

1. Freud
2. Durkheim

دچار آنومی یا نابسامانی شده است و به عبارتی با از بین رفتن ارزش‌ها و هنجارها یا ضعیف شدن آنها جامعه دیگر ارزش و اهداف مشترکی را قبول ندارند (فرجاد، ۱۳۸۲: ۱۲).

دورکیم و مکانیسم پیدایش آنومی



(سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ۴۳۱)

به اعتقاد دورکیم، اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی^۱ یعنی نیروی کششی که افراد یک جامعه را به هم پیوند می‌دهد قوی باشد، اعضای آن احتمالاً با هنجارهای اجتماعی و ارزش‌ها هم‌نوا می‌شوند. ولی اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی ضعیف باشد، ممکن است مردم به سوی رفتار مجرمانه کشیده شوند؛ بنابراین کجروی‌ها و نوع کنترل اجتماعی با توجه به ساختار جامعه، شکل حکومت، فرهنگ و نهادهای اجتماعی متفاوت است؛ یعنی در یک جامعه بسته

1. Social solidarity

روستایی که همه اعضا آن همدیگر را می‌شناسند و روابط بر اساس احترام است و کوچک‌ترها تحت کنترل بزرگ‌ترها یا به عبارتی ریش‌سفیدان هستند، اعضای جامعه برای آن که انگشت‌نما نشده و از جامعه خود طرد نشوند، کمتر به کجروی روی می‌آورند؛ اما شکل «کنترل اجتماعی»^۱ در جوامع باز مثل شهرها متفاوت است. در شهر، خانواده کوچک‌تر شده و اعضایش به خاطر مشکلات اقتصادی، شغلی و درگیر شدن با زندگی ماشینی کمتر همدیگر را می‌بینند. به همین دلیل در آن جا قانون و مقررات کنترل‌کننده رفتار اجتماعی است (ستوده، ۱۳۸۶: ۱۳۵-۱۳۴).

کنترل اجتماعی^۲ (نظارت اجتماعی) از نظریه‌ی نظم اجتماعی (بی‌هنجاری) دورکیم تأثیر پذیرفته و به عوامل خاص اجتماعی که برای حفظ نظم در جامعه اهمیت دارند توجه کرده است. این نظریه که پیوند اجتماعی^۳ نیز نامیده می‌شود این‌طور فرض می‌کند که اگر انسان‌ها به حال خود رها شوند، به‌طور طبیعی مرتکب جرم و کجروی خواهند شد؛ یعنی سابقه رفتار کجروانه به‌طور طبیعی و ذاتی در میان مردم وجود دارد؛ به عبارت دیگر، قیود و مهارهای اجتماعی است که ناهمنوایی را در میان انسان‌ها محدود می‌کند و در حقیقت کجروی و بزهکاری محصول نارسایی یا نابسندگی کنترل‌های اجتماعی می‌باشد. از نظر هیرشی، کنترل اجتماعی به شیوه‌هایی گفته می‌شود که جامعه برای واداشتن اعضایش به هم‌نوایی و جلوگیری از ناهمنوایی و ناسازگاری به کار می‌برد (ستوده، ۱۳۸۶: ۱۳۴).

مرتن^۴ در الگویی تحلیلی به توصیف شکل رفتاری افراد در جامعه می‌پردازد و یک نوع‌شناسی^۵ از پنج شیوه انطباق فردی ارائه می‌دهد که شامل:

۱- سازگاری یا سازش با اهداف فرهنگی و وسایل نهادینه: این شیوه از انطباق امری ضروری برای حفظ جامعه‌ای با ثبات محسوب می‌شود، ۲- نوآوری: در آن فرد با اهداف فرهنگی همسازی می‌کند، بدون آنکه به همان میزان هنجارهای نهادی حاکم بر وسایل را نیز برای نیل به آن اهداف، درونی کرده و پذیرفته باشد، ۳- آیین‌گرایی: ترک یا کاهش میزان آرزوها در ارتباط با اهداف، همراه با تمرکز بر وسایل، ۴- انزوایی: مستلزم چشم‌پوشی از اهداف و وسایل است و بنابراین فاصله گرفتن از جریان اصلی جامعه، ۵- شورش: آن وضعیتی است که سیستم‌های نهادی مانعی بر سر راه نیل به اهداف مشروع محسوب می‌شود. در نتیجه

-
1. Social control
 2. Social Control Theory
 3. Social Bond
 4. Merton
 5. Typology

ارزش‌های جدید می‌آیند و وسایل جدیدی برای به اجرا درآوردن مؤثر آنها بسیج می‌شوند (گروتزر، ۱۳۷۸: ۱۴۹-۱۴۸).^۱

جدول ۱: گونه‌شناسی مرتن در مورد واکنش‌های مردم در برابر فشار ساختاری

مرتن اعتقاد داشت که مردم در برابر فشار ساختاری واکنش نشان می‌دهند و واکنش آنها شامل ترکیبی از پذیرش و عدم پذیرش هدف‌ها و وسایل بارز می‌باشد		
وسایل	هدف‌ها	شیوه‌های انطباق
+	+	همنوایی
-	+	نوآوری
+	-	مراسم‌گرایی
-	-	کناره‌گیری
+/-	+/-	طغیان و سرکشی
+ پذیرش / هدف‌ها یا وسایل قابل دسترسی.		
- عدم پذیرش / ناتوانی در حصول هدف‌ها یا وسایل مطلوب.		
Robert K. Merton.(1957), social theory and social structure p.140		

با توجه به توضیحات فوق، مرتن «توجه خود را به جنبه‌های اجتماعی کجروی معطوف کرده است، نه شالوده‌های بیولوژیکی و فردی آن» (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۷). بدین ترتیب وندالیسم نیز چون همه انواع انحرافات اجتماعی در درون مجموعه فرهنگی و اجتماعی پدید می‌آید؛ یعنی جامعه از طریق شکاف و نارسایی بین اهداف پذیرفته خود و روش‌های نهادینه برای رسیدن به این اهداف، (شکلی از آنومی اجتماعی) سبب ایجاد رفتارهای انحرافی در افراد می‌شود.

در بحث کنش اجتماعی و کارکردگرایی، پارسونز^۲ چارچوب عظیمی به وجود می‌آورد که سعی دارد تمام پدیده‌های اجتماعی و رفتارهای فردی را تحلیل کند. هر چند برخی از صاحب‌نظران از جمله دارندورف^۳، نظام تحلیلی وی را مورد انتقاد قرار داده و آن را «عاری از هرگونه مفهوم تاریخی و بدون هرگونه منبع تغییر در درون جامعه می‌دانند» (کرایب، ۱۳۷۸: ۶۷). پارسونز کارکرد را مجموعه فعالیت‌هایی می‌داند که «در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای نظام انجام می‌گیرد» (ریتزر، ۱۳۷۷: ۱۳۱).^۵

از این‌رو، چهار تکلیف برای همه نظام‌ها در نظر می‌گیرد:

1. Groterz
2. Parsons
3. Dahrendorf
4. Craib
5. Ritzer

۱- انطباق و سازگاری با محیط؛ ۲- هدف جویی (دست یافتن به هدف)؛ ۳- وحدت و هماهنگی؛ ۴- حفظ موجودیت الگویی. بر این اساس هر نظامی باید خودش را با موقعیت یا موقعیت‌هایی که در آن قرار می‌گیرد تطبیق دهد، هدف‌های خود را تعیین و برای دستیابی به آنها تلاش کند؛ برای سازگاری با محیط باید بین اجزایش روابط متقابلی ایجاد و آنها را به صورتی سازمان دهد که به یک هماهنگی و وحدت برسد و بالأخره هر نظامی باید الگوهای فرهنگی و ساختاری ویژه‌ای را تولید و باز تولید کند تا کنش‌گران بتوانند بر مبنای آن دست به کنش بزنند (ریتزر، ۱۳۷۷: ۵۲۹).

دقت در اصول فوق، نشان‌دهنده ناسازگاری و ناتوانی تئوری پارسونز در مورد کنش اجتماعی است. مورد چهارم، به صورت مشخصی خلاقیت، فعال بودن و فردیت کنش‌گر را مورد تردید قرار می‌دهد.

جدول ۲: تحلیل کارکردی خرده نظام‌ها (AGIL)

خرده نظام‌ها	کارکردهای نظام	سازمان‌های اجرایی در جامعه
نظام فرهنگی	L پایداری	نظام‌های اجتماعی کننده (مدرسه)
نظام اجتماعی	I انسجام	اجتماعات هماهنگ کننده (قانون)
نظام شخصیتی	G به دست آوری اهداف	نظام‌های اجتماعی و سیاسی (ادارات مختلف)
نظام اندام‌واره	A همسازي یا تطابق	نظام‌های اقتصاد (سازمان، کار، مسکن، تولید...)

تنهایی، ۱۳۷۹: ۱۰۶

برای توضیح جدول فوق باید اشاره کرد که نظام اندام‌واره (ارگانیزم زیست‌شناختی) کارکرد تطابق و سازگاری با محیط را انجام می‌دهد و نظام‌های اقتصادی نیز متناظر به همین امر تطابق و سازگاری جامعه می‌باشند. نظام شخصیتی کارکرد دستیابی به اهداف را از طریق تعیین هدف‌های نظم و بسیج منابع برای دستیابی به آنها انجام می‌دهد. نظام اجتماعی از جمله اجتماعات هماهنگ کننده (نظیر قانون) کارکرد انسجام اجتماعی^۱ را بر عهده دارند و نظام فرهنگی، تولیدکننده و باز تولیدکننده هنجارها، ارزش‌ها و به‌طور کلی الگوهایی است که سبب پایداری و حفظ جامعه می‌شود.

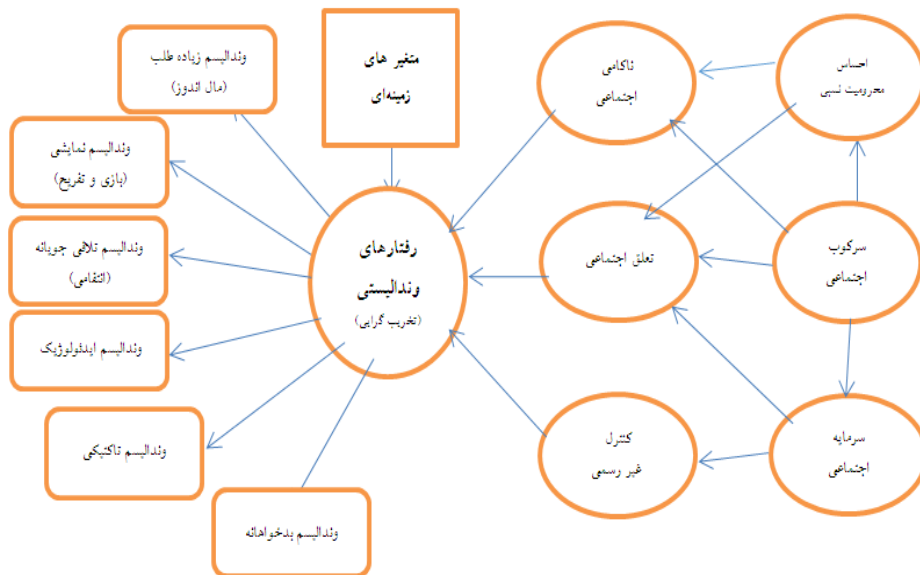
با تکیه بر نظریات صاحب‌نظران در بخش مبانی نظری، در این پژوهش به دنبال شناسایی گونه‌ها، دلایل بروز یا علل شیوع، شناخت راهکارهایی برای کنترل، شناسایی بیشترین رفتارهای وندالیستی و ارتباط آن با رده‌های سنی هستیم. از طرفی به نظر می‌رسد، بین

1. Social solidarity

گونه‌های مختلف رفتارهای وندالیستی، جنسیت و میزان شیوع آن در بین دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه و همچنین تأثیر متغیرهایی نظیر احساس محرومیت^۱ نسبی، تعلق اجتماعی^۲، ناکامی اجتماعی^۳، سرکوب اجتماعی، سرمایه اجتماعی^۴ و کنترل غیررسمی در بروز رفتارهای وندالیستی هم تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

از طرفی طبیعی است که استدلال شود بین نوع مدرسه‌ی محل تحصیل (دولتی- غیردولتی)، موقعیت جغرافیایی مدرسه‌ی محل تحصیل، کمیت و کیفیت تجهیزات و امکانات مدرسه و عوامل فردی دانش‌آموزان مقطع متوسطه ناحیه یک شهر همدان با بروز رفتارهای وندالیستی، رابطه وجود دارد. بر همین اساس مدل تحلیلی فوق ارائه گردیده است.

مدل تحلیلی گونه‌شناسی و شیوع‌شناسی رفتارهای وندالیستی



۳. پیشینه‌ی پژوهش

محسنی تبریزی علیرضا، در پژوهشی علل وندالیسم و راه‌های پیشگیری و درمان آن را بین شهروندان مناطق مختلف شهر تهران بررسی کرده و بر اساس نتایج به‌دست‌آمده گرمای شدید هوا، تعطیلی مدارس، دانشگاه‌ها و فقدان امکانات لازم برای پر کردن اوقات فراغت افزایش

1. Feel deprived
2. Social belonging
3. Social failure
4. Social capital

رفتارهای وندالیستی در فصل تابستان را به دنبال داشته و با خاتمه این فصل روند تخریب اموال عمومی کاهش پیدا کرده است. از طرفی تنبیه بدنی، والدین بی‌بندوبار و سهل‌انگار و بد رفتاری آنها نیز بر افزایش رفتارهای وندالیستی تأثیرگذار بوده است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۴-۱۳۷۲: ۲۰).

محمدی بلبان آباد اسعد، در تحقیقی پدیده وندالیسم را در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه ناحیه یک شهر سنندج بررسی و با بهره‌گیری از روش ترکیبی و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه و نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب و بررسی متغیرهایی نظیر، بیگانگی اجتماعی، احساس اجحاف و بی‌عدالتی، ارتباط با گروه‌های بزهکار و با تشریح نظریه‌هایی نظیر یادگیری اجتماعی، خرده‌فرهنگ، برچسب و کنترل اجتماعی، ارتباط بین جنسیت، ساختار و وضعیت خانواده، در دانش‌آموزان پسر ارتباط با افراد بزهکار و بی‌عدالتی و در دانش‌آموزان دختر مسائل خانوادگی را از عوامل گرایش به رفتارهای تخریبی برشمرده است (محمدی بلبان آباد، ۱۳۸۴: ۲۲۷).

نادری آرزو، در پژوهشی به مطالعه علل رفتارهای وندالیستی در شهر همدان پرداخته و ۴۰ نفر فرد وندال و ۴۰ نفر فرد غیروندال و همچنین مصاحبه با ۳۰ نفر از کارشناسان و مدیران این حوزه را مدنظر قرار داده و در دو بخش به صورت تبیینی و توصیفی با بهره‌گیری از آزمون تفاوت میانگین و خی‌دو، رفتارهای وندالیستی را از نظر کارشناسان و مدیران، متوسط ارزیابی کرده است. متغیر مشارکت، تعلق شهروندی و وضعیت اقتصادی رابطه معناداری با رفتارهای وندالیستی داشتند و همچنین بین متغیر ناکامی اجتماعی و نگرش توزیع نابرابر امکانات رابطه معناداری با رفتار وندالیستی وجود داشت (نادری، ۱۳۸۹: ۱).

دمور و همکارانش تعداد ۱۷۲۹ نفر از دانشجویان دانشگاه‌ها را مورد بررسی قرار دادند و بعد از بررسی نتایج این پژوهش و مقایسه آن با پژوهش‌های مشابه که در دبیرستان‌های همان منطقه انجام شده بود مشخص گردید، میزان خراب‌کاری در دانشگاه‌ها نسبت به دبیرستان‌ها نسبتاً کمتر بوده و بین نوع فعالیت‌های خرابکارانه تفاوت چشمگیری وجود دارد و در نهایت ارتکاب اعمال خرابکارانه بین دختران و پسران دانشجویان با رفتارهای مشابه در دختران و پسران دانش‌آموز تفاوت معناداری وجود دارد به شکلی که خراب‌کاری سیاسی و دسته‌جمعی در دانشگاه‌ها و نوشتن روی در و دیوار، میز و صندلی در بین دبیرستانی‌ها بیشتر بوده است (دمور و همکارانش، ۱۹۸۷: ۲۰).^۱

مایر و همکارانش در تحقیقی میزان خراب‌کاری در مدارس دو شهر کالیفرنیا و لس‌آنجلس را با پرسش از ۱۴۲۵ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر ۱۵ تا ۲۳ ساله مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش متغیرهایی نظیر سن، جنس، میزان تحصیلات و تفاوت‌های قومی و نژادی مورد توجه قرار گرفت و مشخص شد که محیط مدرسه و نحوه برخورد مسئولین آن با دانش‌آموزان در ارتکاب رفتارهای وندالیستی تأثیرگذار است و بالا رفتن سطح تحصیلات به کاهش رفتارهای تخریبی می‌انجامد. همچنین مشخص گردید که دختران خراب‌کار کمتر از پسران خراب‌کار از راهنمایی و حمایت پدر و مادر برخوردار بوده‌اند (مایر و همکارانش، ۱۹۸۷: ۲۷۰-۲۵۹)^۱.

هربرت، آتش‌سوزی و خراب‌کاری در مدارس استرالیا را با سؤال از دانش‌آموزان ۱۴ تا ۱۹ ساله واکاوی کرد و نتایج حاکی از آن بود که چهار عامل محیط مادی، خصوصیات ظاهری و رفتاری افراد، نظام مدرسه و اجتماع محلی در ارتکاب رفتارهای خرابکارانه توسط دانش‌آموزان تأثیر به‌سزایی دارند (هربرت، ۱۹۹۰: ۷۰-۶۵)^۲.

و در نهایت مناکر در تحقیقی عوامل مؤثر بر خشونت و خراب‌کاری در برخی از مدارس چند شهر انگلستان را مدنظر قرار داد و با بررسی ۶۸۹ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی مشخص گردید، عوامل خانوادگی و مدرسه‌ای چیزی حدود ۲۴ درصد از واریانس خراب‌کاری در مدارس را پایه‌گذاری می‌کند و سن و اعمال رفتارهای خرابکارانه هم رابطه مستقیم و مثبت دارند (مناکر، ۱۹۹۴: ۱۹-۱۷)^۳.

۴. روش‌شناسی تحقیق

برای انجام یک پژوهش، روش‌های مختلفی وجود دارد که یکی از آن‌ها پیمایش است و در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. پیمایش از بسیاری از افراد (که پاسخگو نامیده می‌شوند) راجع به عقاید، ایده‌ها، خصوصیات و رفتار گذشته یا حالشان سؤال می‌کند (Newman, 1977: 228). جامعه آماری مورد بررسی در این پژوهش دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس دولتی و غیردولتی مقطع متوسطه دوره اول و دوم ناحیه یک همدان در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ می‌باشد. از این جامعه آماری ۱۵۰۰۰ نفری که حدود ۸۵۰۰ نفر دانش‌آموز دختر و ۶۵۰۰ نفر دانش‌آموز پسر در رشته‌های نظری، فنی حرفه‌ای و کار و دانش را شامل می‌شود

1. Mayer & et al.

2. Herbert

3. Menaker

(پورتال آموزش و پرورش ناحیه یک همدان)، تعداد ۴۰۰ نفر با بهره‌گیری از محاسبات آماری و فرمول کوکران تعیین و داده‌های مربوطه در این فاصله زمانی به صورت تصادفی توزیع و نسبت به جمع‌آوری آن اقدام شد. لازم به ذکر است که محدوده‌ی این پژوهش (ناحیه یک) به لحاظ موقعیت شهری، تعدادی از مدارس بالای شهر، مرکز شهر و پایین شهر را در برمی‌گیرد. از آن‌جا که ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه بوده، در سنجش روایی پرسش‌نامه از اعتبار محتوایی استفاده شده که در مشاوره با اساتید اهل فن و بهره‌گیری از نظرات اساتید راهنما و مشاور به تأیید رسیده و پایایی پرسش‌نامه هم با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۶۷ درصد تعیین گردیده است.

۵. یافته‌ها و نتیجه‌گیری تحقیق

با عنایت به توضیحات ارائه شده در بخش روش‌شناسی و با استناد به یافته‌های موجود همه فرضیات پژوهش مورد تأیید قرار گرفت و نوعی رابطه بین فرضیات و رفتارهای وندالیستی به وجود آمد که به تفسیر و تحلیل نتایج آن می‌پردازیم:

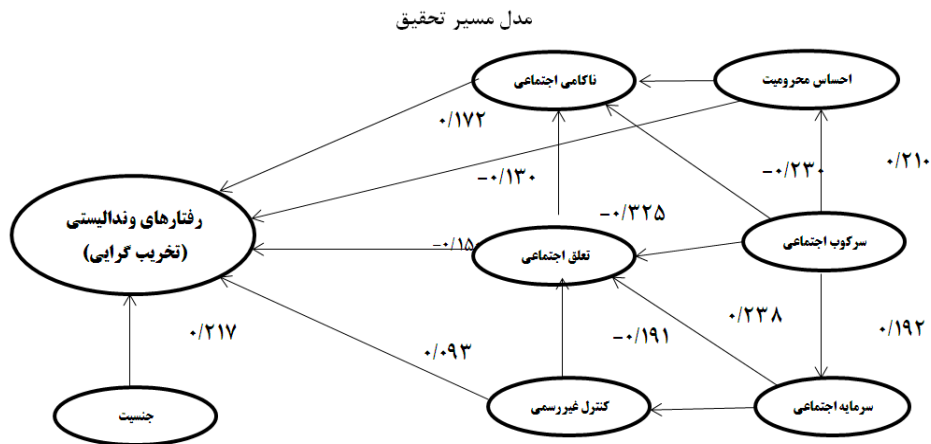
در بحث خلاصه مدل، مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها ۰,۴۰۳ می‌باشد که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق (وندالیسم) همبستگی متوسطی وجود دارد؛ اما مقدار ضریب تعدیل شده که برابر با ۰,۱۳۷ می‌باشد، نشان می‌دهد که ۱۳٪ درصد از کل تغییرات متغیر وابسته به واسطه متغیرهای مستقل وارد شده تبیین می‌شود.

با توجه به معنی‌داری مقدار آزمون F (۶,۳۴) در سطح خطای کمتر از (۰,۰۱) می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق که مرکب از چند متغیر مستقل و یک متغیر وابسته (رفتارهای وندالیستی) می‌باشد، می‌تواند تغییرات متغیر وابسته را تبیین نماید. در جدول فوق، تأثیر ضرایب رگرسیونی هر متغیر مستقل بر متغیر وابسته نشان داده شده است.

جدول ۳: شرح ضرایب رگرسیون متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

همبستگی			sig	t	ضرایب استاندارد Beta	ضرایب غیراستاندارد		مدل
part	partial	Zero-order				Std Error	B	
			۰,۷۲۶	-۰,۳۵۱		۸,۸۷	-۳,۱۱۸	ثابت
۰,۰۸۸	۰,۰۶۹	۰,۲۴۳	۰,۱۰۰	۱,۶۵۲	۰,۱۰۲	۰,۱۱۲	۰,۱۸۴	ناکامی اجتماعی
۰,۱۲۹	۰,۱۳۹	۰,۲۵۸	۰,۰۱۷	۲,۴۰۹	۰,۱۵۰	۰,۰۹۴	۰,۲۲۷	تعلق اجتماعی
۰,۱۱	۰,۰۱۲	۰,۱۱۵	۰,۸۴۰	۰,۲۰۲	۰,۰۱۲	۰,۱۰۵	۰,۰۲۱	کنترل غیررسمی
-۰,۱۲۴	-۰,۱۳۴	-۰,۲۰۸	۰,۰۲۱	-۲,۳۲	-۰,۱۳۰	۰,۰۸۸	-۰,۲۰۲	احساس محرومیت
-۰,۰۸۵	-۰,۰۹۳	-۰,۱۸۴	۰,۱۱۲	-۱,۵۹	-۰,۰۹۲	۰,۱۲۰	-۰,۱۹۱	سرکوب اجتماعی
۰,۰۲۷	۰,۰۳۰	-۰,۰۶۵	۰,۶۱۱	۰,۵۱۰	۰,۰۲۹	۰,۰۴۸	۰,۰۲۴	سرمایه اجتماعی
۰,۰۴۵	۰,۰۴۹	۰,۰۱۱	۰,۳۹۹	۰,۸۴۵	۰,۰۴۷	۰,۳۳۹	۰,۳۳۱	سن
۰,۱۹۳	۰,۲۰۷	۰,۲۶۴	۰,۰۰۰	۳,۶۲	۰,۲۱۷	۰,۷۸۳	۲,۸۳	جنسیت
۰,۰۱۹	۰,۰۲۱	-۰,۰۸۹	۰,۷۱۸	۰,۳۶۲	۰,۰۲۱	۰,۲۳۳	۰,۰۸۴	معدل

تأثیر دو متغیر احساس محرومیت و تعلق اجتماعی و همچنین جنسیت بر رفتارهای وندالیستی معنادار می‌باشد؛ اما در سایر متغیرها سطح خطای مقدار t آن بالاتر از (۰,۰۵) می‌باشد. به عبارتی به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر احساس محرومیت، میزان رفتارهای اجتماعی نیز به میزان (۰,۱۳۰) انحراف استاندارد کاهش خواهد یافت. همچنین به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر تعلق اجتماعی، میزان رفتارهای اجتماعی نیز به میزان (۰,۱۵۰) انحراف استاندارد افزایش خواهد.



دیاگرام مسیر نشان می‌دهد متغیرهای کنترل غیررسمی، تعلق اجتماعی، ناکامی اجتماعی، کنترل غیررسمی و احساس محرومیت تأثیر مستقیم بر بروز رفتارهای وندالیستی دارند. در این بین بیشترین تأثیر مستقیم را متغیر ناکامی اجتماعی (۰,۱۷۰) و کمترین تأثیر مستقیم را متغیر کنترل غیررسمی (۰,۹۳) دارد. علاوه بر این متغیرهای سرمایه اجتماعی، سرکوب اجتماعی، احساس محرومیت اجتماعی دارای تأثیر غیرمستقیم بر متغیر مستقل تحقیق می‌باشند.

شکل کلی تحلیل مسیر، بیانگر تأیید فرضیه‌ها و به تبع آن نظریه‌های مورد استفاده در پژوهش است. برای برخی از روابط غیرمستقیم نیز توجیهات نظری یافت شده است که به آنها اشاره می‌شود. در بین متغیرهای وارد شده جنسیت دارای بیشترین تأثیر مستقیم و متغیر تعلق اجتماعی نیز دارای بیشترین تأثیر غیرمستقیم می‌باشد.

متغیر ناکامی اجتماعی: تأثیر مستقیم (۰,۱۷۲)، تأثیر غیرمستقیم (---)، کل (۰,۱۷۲)
 متغیر تعلق اجتماعی: تأثیر مستقیم (-۰,۱۵۵)، تأثیر غیرمستقیم (-۰,۰۵۵)، کل (۰,۱۰)
 متغیر کنترل غیررسمی: تأثیر مستقیم (۰,۰۹۳)، تأثیر غیرمستقیم (۰,۰۲۷)، کل (۰,۱۲۰)
 متغیر احساس محرومیت: تأثیر مستقیم (-۰,۱۳۰)، تأثیر غیرمستقیم (-۰,۰۳۱)، کل (-۰,۱۶۱)

متغیر سرکوب اجتماعی: تأثیر مستقیم (---)، تأثیر غیرمستقیم (-۰,۰۰۵)، کل (-۰,۰۰۵)
 متغیر سرمایه اجتماعی: تأثیر مستقیم (---)، تأثیر غیرمستقیم (-۰,۰۱۶)، کل (۰,۰۱۶)
 جنسیت: تأثیر مستقیم (۰,۲۱۷)، تأثیر غیرمستقیم (---)، کل (۰,۲۱۷)

در بررسی و مرور تحقیقات و پژوهش‌های داخلی و خارجی و همچنین با بهره‌مندی از چارچوب نظری، به ویژه نظریه پردازان وندالیسم به منظور رد یا اثبات فرضیات خود از طریق پرسشنامه خود گزارشی در یک نمونه ۴۰۰ نفری، داده‌ها گردآوری و با نرم‌افزار Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش از مفاهیم و نظریه‌های مختلفی برای تدوین فرضیه‌ها استفاده و هر فرضیه را به صورت جداگانه مورد بحث و بررسی قرار دادیم و پس از بیان نتیجه آزمون فرضیه، به ارزیابی آن با توجه به پیشینه تجربی و نظریه‌های به کار گرفته شده پرداختیم.

یافته‌های پژوهش نشان داد که بین فرضیه مربوط به رابطه نوع مدرسه و بروز رفتارهای وندالیستی که با استفاده از آزمون تی مستقل تحلیل شده، رابطه‌ی معناداری وجود ندارد و این تفاوت اتفاقی است. در قسمت پیشینه هربرت به محیط مادی از عوامل بروز رفتارهای وندالیستی اشاره کرده که به صورت نسبی مطرح شده است. همچنین بین فرضیه مربوط به کیفیت تجهیزات مدارس و امکان بروز رفتارهای وندالیستی به دلیل اینکه متغیر مستقل، یک متغیر کیفی و ترتیبی است، بر آن شدیم تا برای بررسی رابطه‌ی این دو از ضریب تاوی بی‌کندال استفاده کنیم و بر همین اساس اثبات شد، رابطه معناداری وجود ندارد. محسنی تبریزی فقدان امکانات لازم را زمینه بروز رفتارهای وندالیستی دانسته و اشاره‌ای به نو یا کهنه بودن وسایل و تجهیزات نکرده است. از آنجا که متغیر مستقل ما کیفی و تعداد گروه‌های مورد مقایسه بیش از دو گروه بودند برای یافتن رابطه بین موقعیت جغرافیایی و بروز رفتارهای وندالیستی از تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد که نتایج حاکی از تفاوت این رفتارها در مناطق مختلف بود. به نوع نادری در پژوهش خود وضعیت بد اقتصادی، توزیع نابرابر امکانات و بلبان‌آباد ساختار و وضعیت خانواده را از عوامل بروز رفتارهای وندالیستی دانسته‌اند. با استناد به نظریه خرده‌فرهنگ بزهکار که زمینه بروز بزهکاری‌ها را بر پایه تفاوت جغرافیایی مورد تحلیل قرار می‌گیرد می‌توان بر درستی این تفاوت تأکید کرد. همان‌طور که مایر و همکارانش سن و عوامل فردی را از علل بروز رفتارهای وندالیستی دانسته‌اند ما نیز در این پژوهش با بهره‌مندی از ضریب همبستگی پیرسون در بررسی این فرضیه که بین عوامل فردی نظیر معدل درسی و سن با بروز رفتارهای وندالیستی رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد، به این نتیجه رسیدیم که رابطه همبستگی تنها بین متغیرهای سن و وندالیسم بدخواهانه در سطح ۰,۰۵ معنادار است. همچنین مشخص شد بین معدل درسی افراد و متغیرهای وندالیسم نمایشی (**۰,۱۴۷-)، وندالیسم ایدئولوژیک (**۰,۰۹۸-) و وندالیسم تاکتیکی (**۰,۱۵۵-) رابطه معناداری وجود دارد. علاوه بر نتایج ذکر شده در بخش پیشینه، بر اساس نتایج تحقیقاتی دیگر

نیز می‌توان گفت که برخی از رفتارهای بزهکاری همچون وندالیسم، خاص سنین نوجوانی و جوانی (سنین ۱۵ تا ۲۵ سالگی) هستند. تحقیق استفنس میر (۱۹۸۹)^۱ با عنوان سن و توزیع جرم و همچنین پژوهش سن و جرم در دوره‌های اولیه زندگی راتنر و شاویت^۲ است بر همین موضوع دلالت دارد (میرفردی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸). علاوه بر بحران‌هایی که ممکن است در سن نوجوانی گریبان‌گیر آنان شود بحران ناشی از بلوغ هم می‌تواند تحت تأثیر محیط برای آنها پیش آید؛ لذا دانش‌آموزان ممکن است برای خودنمایی و بزرگ‌شدن، دست به رفتارهای وندالیستی بزنند. در این پژوهش رابطه بین متغیر سن با رفتارهای وندالیستی معنادار بوده و به عبارتی با افزایش سن گرایش به رفتارهای وندالیستی افزایش می‌یابد و در رابطه با نقش جنسیت که با آزمون لون و تی مستقل بررسی شد باید گفت تفاوتی که بین میانگین‌های این دو گروه وجود دارد معنادار است و این تفاوت اتفاقی نیست؛ به عبارت دیگر دانش‌آموزان دختر و پسر در ارتکاب و نوع رفتارهای وندالیستی با یکدیگر تفاوت دارند و این همان چیزی است که دمور و همکارانش هم به آن اشاره کرده‌اند؛ یعنی دانش‌آموزان پسر رفتارهای وندالیستی به مراتب بیشتری از دختران دارند. در بررسی رابطه بین متغیر احساس محرومیت نسبی با بروز رفتارهای وندالیستی رابطه معناداری وجود داشت و سطح فاصله‌ای باعث شد از ضریب همبستگی پیرسون استفاده کنیم و نتایج به‌دست‌آمده حاکی از معناداری رابطه‌ی این دو بود. این بدان معناست که هر چه احساس محرومیت نسبی در افراد افزایش یابد میزان رفتارهای وندالیستی نیز در آنها افزایش می‌یابد. کلووارد و اهلین^۳ نیز نظریه خود نابرابری در توزیع امکانات و ایجاد زمینه جهت مقایسه افراد با یکدیگر را از جمله بسترهای زمینه‌ساز رفتارهای منحرفانه قلمداد می‌کنند. احساس محرومیت نسبی اشاره به حالتی دارد که فرد خود را در جایگاه مقایسه با دیگران قرار می‌دهد و وقتی خود را در منزلتی پایین‌تر از دیگران می‌بیند، امکان بروز رفتارهای وندالیستی در او افزایش می‌یابد. به عبارتی شاید بتوان گفت طبق نظریه ناکامی منزلتی کوهن^۴ افراد طبقات پایین جامعه به علت شرایط اقتصادی، زمینه‌ی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و پایین بودن سطح زندگی و فشارهای اجتماعی ناشی از آن، احساس محرومیت کنند و وقتی نتوانند به شرایط مطلوب برسند از راه‌های دیگری برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند و گرایش بیشتری به رفتارهای وندالیستی از خود نشان می‌دهند.

1. Stephen meyer
 2. Ratner & shavit
 3. Cloward & Ohlin
 4. Kohen

همبستگی بین دو متغیر تعلق اجتماعی و رفتارهای وندالیستی نشان داد که بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی به میزان افزایش تعلق اجتماعی در جامعه رفتارهای وندالیستی نیز کاهش پیدا می‌کند و برعکس. به اعتقاد دورکیم^۱، اگر در جامعه‌ای «همبستگی اجتماعی» یعنی نیروی کششی که افراد یک جامعه را به هم پیوند می‌دهد قوی باشد، اعضای آن احتمالاً با هنجارهای اجتماعی و ارزش‌ها هم‌نوا می‌شوند؛ ولی اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی ضعیف باشد، ممکن است مردم به‌سوی رفتار مجرمانه کشیده شوند. به بیان دیگر، افرادی که با اجتماع خود، همبستگی دارند تمایل به تبعیت از مقررات آن را دارند و کسانی که از اجتماع بریده‌اند ممکن است تمایل به نقض مقررات داشته باشند. ناکامی اجتماعی هم متغیر دیگری است که تأثیری مثبتی بر روی رفتارهای وندالیستی دارد. یافته‌ها نشان دادند که بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد. کوهن ناکامی اجتماعی را احساس سرخوردگی و ناکامی جوانان طبقه پایین را دستیابی به منزلت طبقه متوسط تعریف می‌کند. این احساس از نظر کوهن می‌تواند زمینه انحراف و کجروی باشد. در شرایطی که همبستگی متقابل میان فرد و جامعه از بین برود و فرد نتواند به کمک مکانیزم‌ها و ابزارهایی که جامعه در اختیارش قرار داده به اهدافش دست یابد، از راه‌های دیگری که خلاف قانون است سعی می‌کند به آن اهداف برسد؛ در نتیجه می‌گوییم که فرد نابهنجار شده و وقتی این حالت به صورت عام در جامعه شیوع پیدا می‌کند می‌گوییم جامعه دچار آنومی یا نابسامانی شده و به عبارتی با از بین رفتن ارزش‌ها و هنجارها یا ضعیف شدن آن‌ها، جامعه دیگر ارزش و اهداف مشترک را قبول ندارد.

محققان اجتماعی سرکوب اجتماعی را عامل مهمی در بروز رفتارهای وندالیستی می‌دانند. از نظر آنان تضعیف انسجام و همبستگی اجتماعی، شکست‌ها و عقده‌های روانی پنهانی و امیال سرکوب شده و آرزوهای ناکام‌مانده و تشدید احساس سرخوردگی، درماندگی و اجحاف را به ارمغان می‌آورد و پیامدهای دیگری نیز دارد و آن عصیان روزافزون انسان‌ها علی‌الخصوص نسل جوان در برابر واقعیت‌های اجتماعی و نیروهای سرکوب‌گر بیرونی است. در این پژوهش بین متغیر سرکوب اجتماعی و رفتارهای وندالیستی ارتباط معناداری وجود داشت و حاکی از آن بود که در صورت ناکام ماندن خواسته‌های دانش‌آموزان آنها تمایل زیادی به انجام رفتارهای مخرب از خود نشان می‌دهند. بین متغیر سرمایه اجتماعی و بروز رفتارهای وندالیستی رابطه وجود نداشت و بر اساس یافته‌ها این رابطه انکار و ضریب همبستگی بین این دو متغیر معنادار نبود. این در حالی است که نظریات مربوط به سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد، افزایش سرمایه

1. Durkheim

اجتماعی به نوعی رفتار اجتماعی فرد را در راستای هم‌نوایی اجتماعی پیش می‌برد. سمپسون و لوب (۱۹۹۰)^۱ معتقدند سرمایه اجتماعی در روابطی نهادی شده، چه خانواده و چه در محل کار یا اجتماع، شدت کنترل غیررسمی را در سطح فردی تحکیم می‌بخشد. با توجه به این نظریه و همچنین معنادار نبودن این رابطه می‌توان گفت سرمایه اجتماعی موجب کنترل دانش‌آموزان می‌شود؛ به عبارتی هر دانش‌آموزی که از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردار باشد تمایلش به رفتار وندالیستی کاهش می‌یابد.

آخرین فرضیه‌ای که در این مقاله مورد آزمون قرار گرفت، بررسی تأثیر متغیر کنترل غیررسمی بر بروز رفتارهای وندالیستی بود که حاکی از وجود رابطه معنی‌داری آن است. از آنجا که رابطه‌ی معناداری این دو متغیر در سطح ضعیفی قرار داشت ولی ثابت شد که هر چه میزان کنترل غیررسمی در بین دانش‌آموزان بیشتر باشد گرایش به رفتارهای وندالیستی نیز بیشتر خواهد بود. نظریه‌ی کنترل اجتماعی (نظارت اجتماعی) از نظریه‌ی نظم اجتماعی (بی‌هنجاری) دورکیم تأثیر پذیرفته و به عوامل خاص اجتماعی که برای حفظ نظم در جامعه اهمیت دارند توجه کرده است. این نظریه بر فرآیند اجتماعی کردن، بیشتر از مجازات کردن در برقراری نظم جامعه تأکید دارد و برای تبیین برخی جرائم مانند جرائم سازمان‌یافته، جرائم یقه‌سفیدها و جرائم حرفه‌ای کمتر کاربرد دارد و بیشتر در مورد جرائم جوانان و عرضه پیشنهادهای عملی برای پیشگیری از جرم فایده دارد. فرضیه‌ی اساسی این نظریه نیز این است که تفاوت‌های موجود در ارتکاب جرم و کجروی در میان افراد، بر اساس تفاوت‌های موجود در نیروهای منع‌کننده یا کنترل‌های اجتماعی است که تبیین می‌شود؛ به عبارت دیگر، قیود و مهارت‌های اجتماعی است که ناهم‌نوایی را در میان انسان‌ها محدود می‌کند و در حقیقت کجروی و بزهکاری محصول نارسایی یا نابسندگی کنترل‌های اجتماعی می‌باشد. در نتیجه عوامل مؤثر بر هنجارشکنی و رفتار انحرافی، می‌توان به وضعیت اقتصادی، تعارضات و کشمکش‌های خانوادگی، طلاق، سوابق والدین در بزهکاری، معاشرت و هم‌نشینی با دوستان ناباب و ناشایست، بی‌هدف گذراندن اوقات فراغت، بی‌اطلاعی والدین از دوستان فرزندانشان، بی‌توجهی خانواده‌ها به ارزش‌های جامعه، تراکم جمعیت، محیط زندگی و مسکن نامناسب، مهاجرت و غیره را نام برد.

منابع

- احمدی، حبیب‌الله (۱۳۸۴)، *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
- اشرف، احمد (۱۳۵۴)، *مسائل انسانی و آسیب‌های اجتماعی*، مجموعه گفتارهای درسی، آموزشگاه‌های خدمات اجتماعی.
- آریان پور، امیر حسین (۱۳۳۶)، *فرویدیسم با اشاراتی به ادبیات و عرفان*، تهران: انتشارات ابن سینا.
- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۷۹)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، تهران: انتشارات پیام نور.
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۲)، *مشارکت اجتماعی در شرایط آنومیک، رابطه آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی با مشارکت اجتماعی*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ.
- ریترز، جورج (۱۳۷۴)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ دوم.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۲)، *آسیب‌های اجتماعی*، تهران: انتشارات آوای نور.
- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی کجروی*، زیر نظر غلامعلی اورعی، انتشارات پژوهشکده، حوزه و دانشگاه.
- فرجاد، محمدحسین (۱۳۸۲)، *آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات*، انتشارات بدر.
- کرایب، یان (۱۳۷۸)، *نظریه اجتماعی مدرن*، ترجمه عباس مخبر، تهران: انتشارات آگه.
- کرباسی، منیژه (۱۳۷۴)، *بررسی مشکلات و راه‌حل‌های رفتاری دانش‌آموزان مدارس راهنمایی شهر همدان*، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- گروتزر، چارلز (۱۳۷۸)، *جامعه‌شناسی مرتن*، ترجمه زهره کسایی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- محسنی تبریزی، علی‌رضا (۱۳۷۹)، *مبانی نظری و تجربی وندالیسم؛ مروری بر یافته‌های یک تحقیق*، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶: ۲۲۷-۱۹۳.
- محسنی تبریزی، علی‌رضا (۱۳۸۳)، *وندالیسم، مبانی روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی رفتار وندالیستی در مباحث آسیب‌شناسی کژرفتاری اجتماعی*، تهران: نشر نی.
- محمدی بلبان‌آباد، اسعد (۱۳۸۴)، *سنجش میزان وندالیسم در بررسی عوامل فردی و اجتماعی مرتبط با آن در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه ناحیه یک شهر سنندج در سال تحصیلی ۸۴-۸۳*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- میرفردی، اصغر (۱۳۹۱)، *بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به وندالیسم در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر یاسوج*، *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و سوم، شماره ۳.
- نادری، آرزو (۱۳۸۹)، *مطالعه علل رفتارهای وندالیستی در شهر همدان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهش اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، استاد راهنما دکتر اسدالله نقدی.

- Bodin, P.; Hear, S. and Robed, L. (2004), Hooliganism: on social a nomine and defer minis.
- Menakr, L (1994), "Factors affecting school vandalism and violence", *Journal of national organization on legal problems of educational*, Vol. 37, No. 5: 17-19
- Mayer, R. (1987), "A search for the elusive setting events of school vandalism", *Journal of educational and treatment of children*, Vol. 10, No. 3: 259-270
- Moser, G (1988), "Vandalism in urban public telephones". *Journal of environmental social psychology*, 8(45), 80-91.